

سنجش تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق ایران (با تأکید بر امنیت مرزی)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۰۴	مسعود محمدحسینی ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۳۰	عباس علی پور ^۲
صفحات مقاله: ۱۹۵ - ۱۶۳	

چکیده:

امروزه برقراری امنیت در گستره‌ی قلمرو سرزمینی هر کشور یکی از وظایف اولیه‌ی نظام سیاسی حاکم در آن کشور می‌باشد. در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز مسأله‌ی تهدیدهای امنیتی و برقراری امنیت در منطقه‌ی جنوب شرق، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی رهبران سیاسی و مدیران امنیتی بوده است. تهدیدهای امنیتی در این منطقه را می‌توان بر اساس منشا شکل‌گیری تهدید در سه سطح جداگانه دسته‌بندی نمود که شامل تهدیدهای امنیتی با منشا داخلی، تهدیدهای امنیتی با منشا مسائل مرزی و تهدیدهای امنیتی با منشا خارجی (فرامنطقه‌ای) می‌باشد. در مجموع کنش و واکنش‌های این سه سطح، امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. در این میان بیشترین تأثیرگذاری بر امنیت منطقه به ترتیب ناشی از تهدیدها با منشا مرزی، تهدیدها با منشا داخلی و تهدیدهای با منشا خارجی می‌باشد. این تهدیدها بر اساس مؤلفه‌ها (به ترتیب میزان تأثیرگذاری) مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی، نظامی - امنیتی، اقتصادی، جغرافیایی - طبیعی و در نهایت مؤلفه‌های سیاسی را شامل شده‌اند. از این رو، بیشترین تمرکز جهت دفع تهدیدات به منظور برقراری امنیت به ترتیب باید معطوف به تهدیدات ناشی از مسائل مرز، مسائل داخلی و مسائل خارجی گردد. همچنین می‌توان گفت راه‌کار اساسی در این منطقه، راه‌کارهای اجتماعی - فرهنگی است.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع).

روش تحقیق در این مقاله پیمایشی و روش علی (مقایسه‌ای) می‌باشد. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در این کار پژوهشی میدانی و از ابزار گردآوری پرسشنامه استفاده گردیده و در نهایت تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری در محیط نرم‌افزار SPSS^۱ انجام پذیرفته است.

* * * * *

واژگان کلیدی

تهادیه‌های امنیتی، امنیت مرزی، جنوب شرق، امنیت اجتماعی فرهنگی، بلوچستان.

مقدمه

امنیت جنوب شرق ایران که تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد صرفاً از طریق تعاملاتی در سطوح ناحیه‌ای، ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر است. ریشه‌ی چالش‌های فرارو برقراری امنیت در این منطقه (جدای از مسائل داخلی) در مداخله‌جویی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. از سوی دیگر، نقش کارکرد و امنیت مرزی در برقراری امنیت منطقه‌ی جنوب شرق بسیار مشهود می‌باشد. امروزه مواردی همچون تردهای مرزی غیرقانونی، روند رو به افزایش قاچاق مواد مخدر^۲، انسان و کالا، تردد اشراک و مجرمین، ضعیف بودن کارکردهای مرزی به ویژه کارکرد دفاعی - امنیتی را به خوبی نمایان می‌سازد. از جمله مواردی که بر شدت این ضعف می‌افزاید، عبور آن از میان یک قوم با ویژگی‌های نژادی، زبانی، مذهبی و فرهنگی یکسان است که این خود محصول تحدید حدود مرز از سوی کشور استعمارگر انگلیس در طی یک قرن اخیر می‌باشد.

امروزه برقراری امنیت در سیستان و بلوچستان با مسأله‌ی مرز در این منطقه به شدت گره خورده و هرگونه برنامه‌ریزی امنیتی در جهت برقراری امنیت در این منطقه بدون توجه به مرز و مسائل خاص آن قطعاً بی‌نتیجه خواهد ماند. توجه بیش از پیش محققان و مسئولان

1- Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)

۲- بنا به گزارش سازمان ملل متحد میزان تولید مواد مخدر در افغانستان بالغ بر ۳۴۰۰ تن است که این میزان در مقایسه با سال‌های آخر حکومت طالبان بیش از ۱۸ برابر می‌باشد. این در حالی است که نیروهای اشغالگر در افغانستان رهبری حل مشکل مواد مخدر در این کشور را برعهده دارند (ویسنر، ۲۰۰۳: ۱۴۵).

بخش‌های امنیتی به مرز و مسائل مرتبط با آن به واقعی‌تر بودن طرح‌ها و برنامه‌ها و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های امنیتی در این منطقه کمک شایانی خواهد کرد.

مقوله‌ی کارکردهای مرزی به ویژه کارکرد امنیتی با بحث امنیت در جنوب شرق رابطه‌ی مستقیم داشته و تضعیف آنها موجب تضعیف امنیت مرزی و به تبع آن تضعیف امنیت منطقه می‌شود. در این مقاله سعی شده است تا ضمن بر شماری مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت منطقه در سه بعد مسائل داخلی، خارجی و مسائل مربوط به حوزه‌ی مرز، آنها را در ۵ طیف مختلف اقتصادی، نظامی - امنیتی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و جغرافیای - طبیعی تقسیم‌بندی نموده و میزان تأثیرگذاری هر کدام از آنها بر امنیت جنوب شرق با توجه به امتیازات اختصاص داده شده را، توسط نرم‌افزار SPSS معین نماید. در واقع شناسایی مؤلفه‌های اصلی که بیشترین تأثیرگذاری در حوزه‌ی امنیت این منطقه را دارند و تعیین میزان اهمیت هر یک از آنها هدف اصلی این پژوهش می‌باشد. روشن شدن این موضوع می‌تواند برنامه‌ریزان امنیتی را در طراحی برنامه‌هایی که از یک سو امکان اجرایی بیشتر را دارا باشند و از سوی دیگر بیشترین نتیجه را در امر تحقق امنیت پایدار را به دست دهد، یاری رساند.

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد که تهدیدهای امنیت مرزهای جنوب شرق نه تنها محصول یک علت نیست، بلکه مجموعه‌ی عوامل تهدید در سه سطح داخلی، مرزی و بین‌المللی منجر به مشکلات و چالش‌های امنیتی در منطقه شده است.

چارچوب نظری

امروزه حوزه‌ی مربوط به مرزها، چالش‌ها و مشکلات مربوط به آن مورد توجه بسیاری از دانشمندان و محققین قرار گرفته و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این حوزه از ابعاد امنیت ملی باعث گردیده تا توجه به این مسأله دو چندان گردد. در خصوص رابطه‌ی میان امنیت مرزی با امنیت ملی در یک نظام سیاسی، دانشمندان و صاحب‌نظران متفاوتی در عرصه‌های گوناگون علمی همچون، ژئوپلیتیک (سیاست جغرافیایی)، جغرافیای سیاسی، جغرافیای نظامی، روابط

بین‌الملل (از منظر تأثیر مرزهای سیاسی بر امنیت بین‌الملل) به ارائه‌ی نظریه در این خصوص پرداخته و به تبیین این رابطه همت گماشته‌اند.

الف - نظریه‌های امنیت مرزی

۱- نظریه‌ی امنیت - توسعه^۱

«مک نامارا»^۲ ضمن انتقاد از تعریف رایج و متداول امنیت، عنوان می‌کند منابع یک سطح مطلوب از امنیت برای یک دولت، در کنار متغیرهای نظامی از طریق توجه و تأکید بر مؤلفه‌هایی همچون رشد اقتصادی و سیاسی چه در داخل و چه در خارج از آن دولت تأمین می‌شود. به زعم نامارا، جوهر و ذات امنیت «پیشرفت» و به ویژه در زمینه‌ی اقتصادی است و همگام با توسعه و ترقی یا همان پیشرفت می‌توان شاهد تقویت و توسعه امنیت بود (Namara Almashat: 1985).

در دیدگاه توسعه - امنیت «مک نامارا» (۱۹۶۸ میلادی) و «ال ماشات» (۱۹۸۵ میلادی)، مرزهای فیزیکی در راستای تأمین امنیت ملی، نه تنها رقیق و کم‌رنگ شده‌اند، بلکه در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد. در این نظریه، مرزهای ذهنی و باورهای مشترک در قالب اشتراک منافع دو دولت در مرزهای فیزیکی - یعنی محل تلاقی منافع دو دولت - بر اساس اندیشه‌ی استیلاطلبانه هر کدام از آنها تقویت شده و در جهت کسب منافع و به دست آوردن پیشرفت مضاعف، گام بر می‌دارند. نامارا همچنین در این نظریه عنوان می‌کند که به دلیل وجود روابط دو طرفه بین مردم و دولت بایستی مرزهای ذهنی داخلی (توده‌ی مردم) حتی‌المقدور کم‌رنگ شده تا زمینه را برای تقویت اقتصاد به عنوان شرط اصلی برقراری امنیت در سطح فراملی فراهم گردد. در این میان نقش مرزهای سیاسی در تأمین امنیت ملی کم‌رنگ خواهد شد. به طور کلی نامارا و آلماشت در نظریه‌ی توسعه - امنیت عنوان می‌کنند که عامل اصلی در توسعه و گسترش امنیت در سطح ملی پیشرفت اقتصادی خلاصه می‌گردد و مرزهای سیاسی فی‌نفسه کمترین نقش را در ایجاد امنیت ملی دارا هستند.

1 - Security - Development

2 - Namara.Robert.S.Mc (1988)

۲- نظریه‌ی چند سویه‌نگر^۱

«فیشر» و «برژینسکی» که از سردمداران این نظریه محسوب می‌گردند، معتقدند با توجه به تحولات نظام بین‌المللی به ویژه در صحنه‌ی روابط متقابل بین دولت‌ها و پیچیدگی‌های روزافزون آن، صرف تأکید بر نگرش‌های مقطعی و تک‌بعدی امنیتی از جمله نگرش امنیت - توسعه به تنهایی قادر به ارائه‌ی تبیینی سازنده و راه‌گشا که در برگیرنده‌ی تمامی ابعاد امنیتی باشد نخواهد بود. بر اساس این نظریه، امروزه جوامع در معرض آماج پیکان‌های گوناگون تهدید، خطر و تردید می‌باشند و دستیابی به درک شایسته‌ای از ظرایف امنیت ملی در این جوامع، محتاج بهره‌گیری از اصول و اهداف علوم اجتماعی در خدمت حوزه‌های مطالعات امنیتی می‌باشد (Fisher, 1993) در نظریه‌ی چند سویه‌نگر، مرزهای بین‌المللی در تأمین امنیت از سطحی نازل‌تر و اولوی‌تری پایین‌تر نسبت به دیدگاه‌های گذشته برخوردار هستند. بر این اساس کشورها به دلیل اشتراک یا افتراق منافع به ما و دیگران تقسیم می‌شوند. بنابراین، مرزهای ذهنی به طور تلویحی مورد توجه است نه مرزهای فیزیکی.

نظریه‌ی چند سویه‌نگر تأکید می‌کند که رابطه‌ی مستقیمی بین مرزهای فیزیکی و توسعه‌ی امنیت ملی وجود ندارد و در این خصوص اهمیت مرزهای سیاسی به شدت کم‌رنگ و در سطحی نازل قرار می‌گیرد. دلیل اصلی این رویکرد نسبت به مرزها به چند سویه‌نگری و دخیل دانستن عوامل متعدد در بحث امنیت ملی بر می‌گردد.

«محمد رضا حافظ نیا» درباره‌ی کارکرد امنیتی مرز و عوامل مؤثر بر آن، معتقد است نوع نظام‌های سیاسی در دو کشور همسایه و به تبع آن نگرش آنها نسبت به یکدیگر و نوع رابطه‌ی آنها به شدت بر کارکردهای مرزی و به ویژه کارکرد امنیتی تأثیرگذار است. در حقیقت ایشان معتقدند که دولت‌ها به عنوان نماینده‌ی ملت و کشورهای خود ناگزیر از برقراری رابطه با یکدیگر هستند و از دیرباز این رابطه بر اساس نیازهای متقابل در حوزه‌های گوناگون از جمله اقتصادی وجود داشته است. از این رو، نوع رابطه و سطح آن می‌تواند بر کارکردهای مرزی و به تبع آن بر امنیت مرزی

1 - Multi - Dimensions

مؤثر و تأثیرگذار باشد. در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت، نوع رابطه‌ی دو کشور مسالمت‌آمیز بوده و دو کشور همسایه متحد یکدیگر محسوب می‌شوند که بر کارکرد مرزی به ویژه کارکرد امنیتی مرز و امنیت مرزی تأثیر مثبت دارد. در مقابل در بدترین حالت دو کشور دشمن یکدیگر محسوب شده و تعارضات باعث ایجاد اختلافات و تنش‌های سیاسی عمیق بین دو کشور شده که در چنین حالتی کارکرد امنیتی مرز وضع مطلوبی نداشته و امنیت در مناطق مرزی به چالش کشیده می‌شود که اوج این تعارضات بروز جنگ بین دو کشور بوده که در این حالت امنیت مرزی مفهوم نداشته و کاملاً از بین می‌رود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۵).

«محمد ایوب»^۱ نظریه‌پرداز پاکستانی الاصل و برخاسته از جهان سوم - مفهوم غربی امنیت را فقط بیانگر نیازهای غرب دانسته که چندان ارتباط محتوایی با ویژگی‌های امنیت جهان سوم ندارند. ایوب تهدید امنیتی در جهان سوم را اغلب پدیده‌ای درونزا می‌داند نه برونزا و متأثر از عوامل خارجی، و این بدان معناست که ریشه‌ی بسیاری از این قبیل تهدیدها در عوامل و شرایط دورنی کشورها نهفته است. وی همچنین تهدید امنیتی را تهدیدی می‌داند که از توانایی لازم برای تضعیف ساختار دولت (تمامیت ارضی، ارکان دولت، رژیم سیاسی حاکم و ...) برخوردار باشد. محمد ایوب بزرگترین تهدیدهای امنیتی جهان سوم را برخاسته از مسأله‌ی دولت‌سازی می‌داند که دول قدرتمند اروپایی در جهان سوم ترتیب داده‌اند. وی معتقد است به تبع این دولت‌سازی خود به خود مقوله‌ی مرزهای سیاسی جدید و منازعات مربوط به آنها به عنوان یکی از چالش‌های امنیتی کشورهای جهان سوم بروز پیدا می‌کند. رابطه‌ی مابین مرزهای سیاسی و امنیت در کشورهای جهان سوم و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این دو از همدیگر ناشی همین مسأله است (Ayoob, 1999).

«ادوارد آذر» و «چانگ این مون»^۲ دو نظریه‌پرداز که مسائل امنیتی در جهان سوم و ابعاد مسأله‌ی امنیت در این کشورها را به طور کامل متفاوت از مسائل امنیتی مبتلابه در غرب می‌دانند، هرگونه تعریف از امنیت ملی را وابسته به تهدیدهایی می‌دانند که متوجه «ارزش‌های حیاتی» (مانند توسعه‌ی اقتصادی فناورانه، مبانی ایدئولوژیک، مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی و...) جامعه باشند. آذر و

1 - Mohammad Ayoob

2 - Edward Azar & Chung-In Moon.

چانگ معتقدند از آنجایی که تهدیدهای امنیتی رودرروی جهان سومی‌ها از تنوع و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است؛ بنابراین، ضروری است تا برای برقراری امنیت ملی در این کشورها فراتر از تأکید بر گردآوری، حفظ و توسعه‌ی نیروی نظامی کوشیده شود که از طریق بسیج منابع و قابلیت‌ها، مناسب با هر تهدیدی، بالاترین سطح امنیت برای این کشورها فراهم گردد (Azar & Moon, 1988).

«علیرضا عندلیب» رابطه‌ی مستقیم و دوسویه‌ای را بین توسعه‌ی اقتصادی و امنیت مرزی و به تبع آن امنیت ملی برقرار می‌داند. او معتقد است که محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که مخل امنیت مرزی و به تبع آن امنیت ملی محسوب می‌شوند، تأثیر شگرفی دارد. به نظر وی توسعه و امنیت تأثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر یکدیگر دارند، به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه، تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بر عکس این حالت نیز صادق است. از این رو، مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته تر برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰).

به طور کلی در نظریه‌های مربوط به دانشمندان و نظریه‌پردازان جهان سوم، اتکای فراوان به درون‌زایی شاخص‌های امنیتی در عمل، نوعی تفکر درون‌گرا را که در حیطه‌ی مرزهای ملی معنا پیدا می‌کند، القا می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت در هنگامی که نظریه‌پردازان جهان سوم به سوی ویژگی‌های درونی امنیت در جهان سوم جهت می‌گیرند به مسأله‌ی مرز توجهی خاص می‌نمایند. پررنگ بودن بُعد امنیت مرزی در دیدگاه این نظریه‌پردازان کاملاً مشهود است. برجسته دانستن موضوع دولت‌سازی و به واسطه‌ی آن تحدید مرزهای سیاسی جدید به عنوان یک پدیده امنیتی که می‌تواند امنیت ملی را به چالش بکشانند باعث توجه بیش از پیش به تأثیرگذاری امنیت مرزی بر امنیت ملی در این دیدگاه شده است.

ب - مفهوم شناسی

امنیت^۱: در لغت امنیت به معنای: امن بودن، امنیت داشتن و بی‌خطر بودن، خالی از موجبات بیم و هراس بودن می‌باشد امنیت مفهومی ذهنی، نسبی و مقوله‌ای چند وجهی است که رابطه‌ای متقابل و دو سویه با «توسعه‌ی پایدار»^۲ دارد (دلاورپور اقدم، ۱۳۸۸: ۱).

1 - Security

2 - Sustainable Development

امنیت ملی^۱: این اصطلاح را نخستین بار «والتر لیپمن»^۲ به کار برد؛ وی در تبیین این اصطلاح می‌گوید: «یک ملت وقتی امنیت دارد که مجبور نباشد منافع مشروع خویش را برای احتراز از جنگ، قربانی نماید و در صورت لزوم نیز قادر باشد این منافع را از طریق جنگ حفظ کند.» لیپمن در این تعریف امنیت ملی را فرعی بر منافع ملی دانسته است؛ مفهومی که خود نیز مانند بسیاری دیگر از مفاهیم علوم سیاسی دچار پیچیدگی و ابهام است. در منابع مختلف برای امنیت ملی ویژگی‌های مختلفی همچون سیال بودن مفهوم امنیت، هدف نبودن امنیت، تعدد معانی امنیت، ذهنی بودن امنیت، نسبی بودن امنیت مطرح نموده‌اند (بادلی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۲). امنیت ملی سطحی از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همراه با رضایت‌مندی لایه‌های مختلف جامعه است که تمامیت ارضی، اقتدار ملی، رفاه عامه، توسعه‌ی پایدار و مصونیت فرهنگی و فراز فکری را بدون دخالت قدرت‌های خارجی برای موجودیت و کیان کشور فراهم می‌سازد (بهرامزاده، ۱۳۸۵: ۱).

مرز^۳: مرزها، خطوطی هستند که حد خارجی قلمرو تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می‌کند (دیکشت، ۱۹۹۵: ۵۵). مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس کننده‌ی قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا مانع ایجاد می‌کند. مرزها مکرر مسبب تنش‌های بین دولت‌ها بوده و قویاً کنش متقابل میان مردمانی را که در مناطق مجاور هم به سر می‌برند تحت تأثیر قرار داده‌اند. (درایسدل، ۱۳۷۴: ۱۰۱). خط جدا کننده یک واحد فضائی از واحد دیگر را مرز گویند (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۷).

امنیت مرزی^۴: امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵). امنیت مرزها به

1 - National Security

2 - Walter Lippmann

3 - Boundary

4 - Security Boundary

معنای امنیت انسان‌های درون مرز است و وجود آن به مثابه آینده‌ی تمام‌نمای امنیت درونی کشورهاست (پورخسروانی، ۱۳۸۵: ۲۲۱). وقتی از امنیت مرزها صحبت می‌شود به معنی وجود ثبات در مرزها و نفوذناپذیری مرزها از حیث ورود کالای قاچاق، آسایش و ایمنی مرزنشینان، فقدان تهدید در مرزها است (اخباری، ۱۳۸۸: ۵۳).

کارکردهای مرزی^۱: مرزها دارای نقش‌ها و کارکردهای گوناگونی هستند و اگر چه بهترین کارکرد مرز، جدا کردن دو ناحیه‌ی سیاسی و دو گروه از مردم بوده و هست، ولی این نقش روز به روز کاهش می‌یابد، زیرا وابستگی متقابل و ارتباطات گسترش‌یافته و گریزناپذیر ملت‌ها باعث می‌گردد کارکرد مرزها دچار تغییر و تحول گردند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۹۰). گذشت زمان و پیشرفت‌های به وجود آمده در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فناوری و ارتباطات باعث گردیده تا کارکردهای جدیدی برای مرز تعریف گردد (زرقانی، ۱۳۸۵: ۹۹). کارکردهایی همچون جداکنندگی، یکپارچه‌سازی، تفاوت‌سازی، کشمکش، ارتباط (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۹۲) و یا کارکردهای نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی (میرحیدر، ۱۳۷۹: ۲۷).

تهدیدهای مرزی^۲: همان‌طور که مرزها دارای کارکردها و کارویژه‌های خاص هستند به همان نسبت تهدیدهایی نیز مترتب مرزها می‌باشد. این آسیب‌ها و تهدیدات از منسأهای مختلف و با اهداف متفاوت کارکردهای مرزی را نشانه رفته و عملکرد آنها را مختل و باعث تضعیف نقش آنها می‌گردند. از جمله تهدیدهایی که می‌تواند باعث به مخاطره افتادن کارکردهای مرزی شوند عبارتند از:

- (۱) تهدیدهای امنیتی (به مخاطره افتادن امنیت انسانی و امنیت مرزی - تضعیف کارکرد امنیتی)؛
- (۲) تهدیدهای سیاسی (ورود تفکرات سیاسی متضاد با مبانی اعتقادی نظام سیاسی حاکم - تضعیف کارکرد سیاسی)؛

1 - Functions Of Boundary
2- Boundary Threats

- ۳) تهدیدهای اقتصادی (ورود انواع کالای قاچاق و ضربه زدن به تولید داخلی - تضعیف کارکرد اقتصادی)؛
- ۴) تهدیدهای فرهنگی (ورود انواع محصولات مبتذل فرهنگی و کالاهای منکراتی به منظور اشاعه‌ی فرهنگ غربی و مقابله آن با ارزش‌های اسلامی و مبانی اعتقادی حاکم بر فضای فرهنگی داخلی کشور در جهت براندازی نرم از طریق تهاجم فرهنگی)؛
- ۵) قاچاق مواد مخدر، کالا و انسان (عبور و مرور افراد به منظور جابه‌جا نمودن اقلام و کالاهای ممنوعه که مخالف با قوانین جاری کشور صاحب مرز باشد، به عنوان امر قاچاق محسوب می‌گردد. این پدیده‌ی شوم به شدت نقش بازدارندگی و کارکرد دفاعی مرز را تحت تأثیر می‌گذارد).

روش تحقیق

این مقاله به لحاظ روش‌شناسی و روش تحقیق از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول احصای تهدیدها با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بخش دوم سنجش تهدیدها از روش پیمایشی است. روش انجام پژوهش به گونه‌ای است که ابتدا محقق با کنکاش در منابع مختلف عوامل متعددی را از طریق توصیفی - تحلیلی به دست آورده و سپس برای سنجش میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های فوق از روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه در مقیاس «لیکرت» استفاده شده است. روایی و پایایی پرسشنامه از طریق «آلفای کرونباخ» مورد سنجش قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نیز از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری در محیط نرم‌افزار مذکور استفاده شده است (میانگین، درصد فراوانی، رگرسیون خطی).

یافته‌های تحقیق

با توجه به مطالعه‌ی منابع، اسناد و همچنین تحلیل و بررسی اطلاعات به دست آمده از تحقیقات میدانی انجام شده به نظر می‌رسد بحث از امنیت و چالش‌های برقراری آن در منطقه جنوب شرق ایران مستلزم توجه به مسائل گوناگون در حوزه‌های داخلی، خارجی و همچنین

توجه به مسائل مرزی (به عنوان آخرین حد قلمرو مشکلات داخلی و نقطه‌ی شروع مسائل خارجی) می‌باشد. از این رو، امنیت در این منطقه در ۳ بعد گوناگون قابل بررسی می‌باشد:

- ۱) چالش‌ها و مشکلات مربوط به حوزه‌های داخلی؛
- ۲) چالش‌ها و مشکلات مربوط به حوزه‌های مرزی (امنیت مرزی)؛
- ۳) چالش‌ها و مشکلات مربوط به حوزه‌های خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی).

چالش‌ها و مشکلات مربوط به حوزه‌ی داخلی

دوری از مرکز و در حاشیه قرار داشتن از مرکزیت نظام سیاسی کشور، ترکیب قومی - مذهبی منطقه، (نوحی، ۱۳۸۹؛ افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۷۸) رشد فزاینده‌ی جریانات مذهبی به‌ویژه با تفکر سلفی‌گری و تشدید فعالیت‌های تبلیغی آنها (آزاد، ۱۳۸۹)، ضعف ارتباطی با مرکز، عدم توسعه‌یافتگی اقتصادی، فقر و بیکاری بالا و کمبود زیرساخت‌های توسعه، ضعف بنیان‌های جغرافیایی، اقلیم خشن و پراکندگی نامناسب جمعیت به واسطه‌ی آن، احساس محرومیت نسبی (به غیر از محرومیت اقتصادی)، عدم تجانس قومی و مذهبی در منطقه و اشتراکات فرهنگی با آن سوی مرز، وجود طوایف متعدد و حاکمیت ساختار قبیله‌ای در منطقه و عدم تمایل مردم در مشارکت سیاسی و وجود نگاه دینی به بیرون عمده‌ترین چالش‌ها و مشکلات مربوط به حوزه‌ی داخلی هستند که در حوزه‌ی امنیت جنوب شرق قابل بحث و بررسی هستند.

چالش‌ها و مشکلات مربوط به حوزه‌ی مرز (امنیت مرزی)

۱) تهدیدهای مرزی در جنوب شرق

با توجه به موقعیت، فضای پیرامونی و فضای داخلی تهدیدهای مرزی در منطقه‌ی جنوب شرق متفاوت است و می‌تواند شامل موارد زیر باشد: تردد اشراق و گروه‌های مسلح، ورود تفکرات سلفی، سیاسی شدن مطالبات قومی و رشد جریان اقلیت‌گرایی، ورود انواع کالای قاچاق و ورود انواع محصولات مبتذل فرهنگی و کالاهای منکراتی در منطقه (اخباری، ۱۳۸۸: ۴۱).

۲) ریشه‌یابی علل تهدیدات مرزی در منطقه

طولانی بودن مرزها، تحمیلی بودن مرز و تداخل قومی - فرهنگی با آن سوی مرز در کشور پاکستان، عدم توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی و پیرامونی (بلوچستان پاکستان)، چالش‌ها و اختلافات زیست محیطی و منابع طبیعی، موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی مرز، روند تحولات و تغییرات نظام سیاسی در پاکستان، دیدگاه دولتمردان پاکستان درباره‌ی مرز جنوب غربی، اوضاع نامساعد و بی‌ثباتی کشور پاکستان، علائق و راهبردهای قدرتهای فرامنطقه‌ای نسبت به منطقه، عدم اتخاذ راهبرد مناسب و منسجم در مدیریت مرزی کشور از سوی ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط، عدم وجود وحدت رویه، هماهنگی و همراهی ارگان‌ها و نهادهای انتظامی - امنیتی در پیشبرد برنامه‌های کنترلی امنیتی در منطقه عمده‌ترین ریشه‌یابی تهدیدهای مرزی در منطقه به حساب می‌آیند.

چالش‌های عمده در برقراری امنیت در مرز (امنیت مرزی)

مهم‌ترین چالش‌های فراروی برقراری امنیت مرزی در جنوب شرق ایران را می‌توان در ۴ حوزه‌ی متفاوت بررسی نمود:

۱) عوامل سیاسی: وضعیت روابط سیاسی دو کشور همسایه (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۵۵ و قوام، ۱۳۸۳: ۲۴۵)، ثبات و یا بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای همسایه (اخباری، ۱۳۸۸: ۵۴ و ملازهی، ۱۳۸۳: ۳۰)، حضور و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۱۲) را می‌توان مهمترین چالش‌ها سیاسی در فرا روی برقراری امنیت مرزی در جنوب شرق دانست.

۲) عوامل طبیعی: عواملی همچون ویژگی‌های طبیعی و تأثیرشان بر کنترل مرز، وسیع بودن منطقه و گسیختگی‌های فضایی در منطقه از جمله عوامل طبیعی تأثیرگذار بر امنیت مرزی محسوب می‌شوند (اخباری، ۱۳۸۸: ۵۶).

۳) عوامل اقتصادی: اختلاف سطح توسعه و تفاوت بسیار در درآمد و قیمت کالا و خدمات (عندلیب، ۱۳۸۰: ۴۴)، کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان اقتصادی در مناطق

مرزی (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۰)، در حاشیه قرار داشتن و محرومیت شدید و قرار نگرفتن در مسیر توسعه از عمده‌ترین عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر امنیت در منطقه هستند.

۴) عوامل انسانی: اشتراکات قومی و مذهبی مرزنشینان دو سوی مرز (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۶۸)، پراکندگی و سیار بودن جمعیت در مناطق مرزی از عمده‌ترین عوامل انسانی محسوب می‌شوند.

چالش‌ها و مشکلات مربوط به حوزه‌ی خارجی

آنچه که امروزه در پیرامون ایران به ویژه جنوب شرق ایران می‌گذرد، تأثیرگذاری و حضور کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که هر کدام از آنها به نحوی در این منطقه، حسب منافع و اهداف خود به ایفای نقش می‌پردازند. از جمله این کشورها می‌توان به کشورهای افغانستان و پاکستان به عنوان همسایه اشاره نمود.

۱) پاکستان

پاکستان جزء آن دسته از کشورها است که سیاست داخلی و به تبع آن سیاست خارجی بسیار پیچیده‌ای دارد. سیاست داخلی این کشور به دلیل تنوع قومیتی^۱، افراط‌گرایی اسلامی و وجود گروه‌های مختلف سیاسی همواره با مشکلاتی روبه‌رو است که در این بین مشکلات اقتصادی نیز اوضاع را بحرانی‌تر می‌سازد. این کشور که تقریباً تمامی جمعیت آن مسلمان است همواره با خصوصیات بی‌ثباتی، عدم احساس همبستگی ملی، عملکرد اقتصادی نادرست و سازمان‌های ناقص شناخته شده است. این عوامل از یک سو و تأثیرپذیری بالای سیاستمداران این کشور از خط و مشی ترسیم شده توسط دولت ایالات متحده امریکا از سوی دیگر در عدم همگرایی بین دو کشور همسایه و تلاش در جهت حل بسیاری از معضلات مرزی از جمله مسأله‌ی تروریسم بسیار تأثیر گذار هستند (ج وینسر، ۲۰۰۳: ۶۸).

۱- پاکستان از کشورهایی است که از موزاییک‌های قومی - فرقه‌ای برخوردار بوده و یک کشور چند زبانی است به طوری که نزدیک به ۶۰ زبان در آن محاوره می‌شود.

- از جمله موارد دیگری که به صورت مشترک بر امنیت ایران و پاکستان تأثیرگذار بوده و مانع از همکاری امنیتی دو کشور می‌گردند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- تأثیر بحران‌های داخلی افغانستان بر هر دو کشور ایران و پاکستان به عنوان همسایه،
 - وجود گروهک‌های تروریستی در پاکستان و تأثیر عملکرد آنها بر امنیت انسانی در مناطق مرزی ایران؛
 - قاچاق مواد مخدر؛
 - تهدیدهای ناشی از حضور قدرت‌های خارجی در منطقه (پورخسروانی، ۱۳۸۵: ۲۲۰-۲۱۹)؛
 - منازعات فرقه‌ای در پاکستان (دلورپور اقدم، ۱۳۸۸: ۱)؛
 - رشد خزنده‌ی گروه‌های وهابی در پاکستان (سیدنژاد، ۱۳۸۸: ۱۷۵ - ۱۷۴)؛
 - حضور قدرت فرامنطقه‌ای آمریکا (گروه مطالعات آسیا، ۱۳۸۷: ۱۱).

۲) افغانستان

عمده‌ترین معضلات امنیتی ایران و افغانستان شامل مشکلات مرزی، قاچاق مواد مخدر، گسترش جریانات تروریستی، مهاجرت‌های غیرقانونی، بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی افغانستان و سرایت آن به منطقه است. سایر کشورهای تأثیرگذار در امنیت منطقه شامل کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و به ویژه عربستان می‌باشد که حمایت‌های مادی و معنوی بی‌شائبه‌ی آنها از گروه‌های مسلح سلفی - تکفیری عیان می‌باشد. همچنین از جمله‌ی کشورهای فرامنطقه‌ای نیز می‌توان به حضور نظامی آمریکا در پاکستان اشاره کرد که هم‌اکنون در خاک پاکستان دارای پایگاه نظامی می‌باشد. قدرت فرامنطقه‌ای آمریکا با حضور خود در منطقه، همواره زمینه‌های ناامنی و بی‌ثباتی منطقه‌ای را فراهم ساخته تا حضور بلند مدت خود را توجیه و تثبیت نماید. تأثیرگذاری آمریکا در امنیت منطقه از طریق بررسی روابط آن با پاکستان به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر قابل تأمل است.^۱

۱ - پس از پیوستن پاکستان به جنگ علیه تروریسم در بعد از ۱۱ سپتامبر، آمریکا کمک‌های نظامی و اقتصادی بسیاری به این کشور نموده است. به عنوان نمونه، می‌توان به کمک ۶۲۶ میلیون دلاری آمریکا در سال مالی ۲۰۰۲، کمک بیش از ۵۰۰ میلیون دلاری در سال ۲۰۰۳ و کمک ۴۰۰ میلیون دلاری در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد (ج ویسنر، ۲۰۰۳: ۸۷).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تجزیه و تحلیل موضوع، ابتدا عوامل متعدد تهدیدزا در ابعاد سه‌گانه‌ی مطرح شده (داخلی، مرزی، خارجی) احصا گردید و تمامی عوامل احصا شده در یک پرسشنامه‌ی اولیه بین پاسخگویان توزیع گردید، بعد از جمع‌آوری، پرسشنامه‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS وارد شده و تمامی متغیرهایی که از روایی و پایایی برخوردار نبودند، در نهایت حذف گردیدند. در پرسشنامه‌ی نهایی با تغییرات اندک و جزئی از هر کدام از این ابعاد سه‌گانه، ۹ عامل که از امتیاز بیشتری برخوردار بودند و اعتبار آنها مورد تأیید قرار گرفته بود مورد سنجش قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های جمع‌آوری شده مبادرت به ارائه‌ی طیف‌بندی از میزان تأثیرگذاری متغیرها مبادرت گردید. این عملیات در محیط نرم‌افزار SPSS انجام شده است. این طیف‌بندی در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱- طیف‌بندی متغیرها

طیف (۱)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۱۲۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۱۵۰ امتیاز بوده است در این طیف واقع می‌شوند. (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری خیلی بالا)
طیف (۲)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۹۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۱۱۹ امتیاز بوده است در این طیف واقع می‌شوند. (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری بالا)
طیف (۳)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۶۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۸۹ امتیاز بوده است در این طیف واقع می‌شوند. (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری متوسط)
طیف (۴)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۳۱ امتیاز و بیشتر تا میزان ۵۹ امتیاز بوده است در این طیف واقع می‌شوند. (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری کم)
طیف (۵)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۳۰ امتیاز باشد در این طیف قرار می‌گیرند. (طیف متغیرهای با قدرت خیلی کم)

تحلیل طیف‌بندی‌ها

طیف (۱): عوامل تأثیرگذار با قدرت خیلی بالا: در این طیف مجموعه‌ی عواملی قرار گرفته‌اند که دارای تأثیرگذاری خیلی زیادی هستند. شیوه‌ی امتیازدهی‌ها را اگر با زبانی ساده

توضیح دهیم، چنانچه از ضرب مجموع نفرات (۳۰ نفر) را در میانگین گزینه‌ی زیاد (۴ امتیاز) ضرب شوند، تمامی گزینه‌هایی که ۱۲۰ امتیاز و بیشتر کسب کرده‌اند در این طیف قرار می‌گیرند. **طیف (۲):** عوامل تأثیرگذار با قدرت بالا: در این طیف مجموعه‌ی عواملی قرار گرفته‌اند که دارای تأثیرگذاری با قدرت زیاد هستند، چنانچه از ضرب مجموع نفرات (۳۰ نفر) را در میانگین گزینه‌ی متوسط (۳ امتیاز) ضرب شوند، تمامی گزینه‌هایی که ۹۰ امتیاز و بیشتر کسب کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند. (تا ۱۱۹ امتیاز)

طیف (۳): عوامل تأثیرگذار با قدرت متوسط: در این طیف مجموعه‌ی عواملی قرار گرفته‌اند که دارای تأثیرگذاری با قدرت متوسط هستند، چنانچه از ضرب مجموع نفرات (۳۰ نفر) را در میانگین گزینه‌ی کم (۲ امتیاز) ضرب شوند، تمامی گزینه‌هایی که ۶۰ امتیاز و بیشتر کسب کرده‌اند در این طیف قرار می‌گیرند. (تا ۸۹ امتیاز)

طیف (۴): عوامل تأثیرگذار با قدرت کم: در این طیف مجموعه‌ی عواملی قرار گرفته‌اند که دارای تأثیرگذاری با قدرت کم هستند، چنانچه از ضرب مجموع نفرات (۳۰ نفر) را در میانگین گزینه‌ی خیلی کم (۱ امتیاز) ضرب شوند، تمامی گزینه‌هایی که ۳۱ امتیاز و بیشتر کسب کرده‌اند در این طیف قرار می‌گیرند. (تا ۵۹ امتیاز)

طیف (۵): در این طیف مجموعه عواملی قرار گرفته‌اند که از لحاظ تأثیرگذاری بی‌اثر شناخته شده‌اند. یعنی مجموعه‌ی متغیرهایی که ۳۰ امتیاز کسب نموده‌اند. البته باید توجه داشت کمترین امتیاز کسب شده توسط یک متغیر مساوی ۳۰ امتیاز است، اما از آنجا که ممکن بود برخی پرسش‌شوندگان به گزینه‌ای پاسخ نداده باشند در تجزیه و تحلیل آماری آن گزینه صفر در نظر گرفته می‌شود (البته در تمامی پرسشنامه‌ها با چنین گزینه‌ای روبه‌رو نبودیم و در یک مورد که بی‌پاسخ مانده بودند با مراجعه مجدد به پرسش شونده پاسخ کلیه‌ی سؤالات دریافت گردید).

قابل ذکر است که نحوه‌ی تأثیرگذاری طیف‌ها، طوری است که هرچه از طیف ۱ به سمت طیف‌های بالاتر حرکت کنیم، از شدت و تأثیرگذاری طیف‌ها کاسته می‌شود. به طوری که طیف ۱ از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طیف ۲ و طیف ۲ از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طیف ۳ و نهایتاً ضعیف‌ترین طیف، طیف ۵ است.

نتایج نهایی طیف‌بندی در تهدیدات با منشا داخلی

جدول شماره ۲ - طیف‌بندی تهدیدات با منشا داخلی

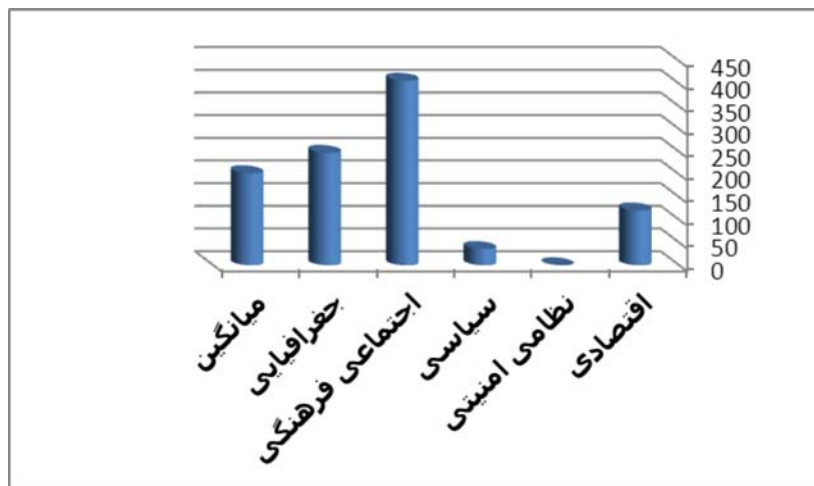
طیف	عوامل	امتیاز در هر عامل	امتیاز کل طیف	درصد طیف به کل
طیف (۱)	رشد فزاینده‌ی جریان‌های مذهبی به‌ویژه با تفکر سلفی‌گری و تشدید فعالیت‌های تبلیغی آنها.	۱۴۲	۲۸۲	۳۴/۷۲٪
	دوری از مرکز و در حاشیه قرار داشتن و ضعف ارتباطی با مرکز	۱۴۰		
طیف (۲)	عدم توسعه‌یافتگی اقتصادی، فقر و بیکاری بالا و کمبود زیرساخت‌های توسعه	۱۲۱	۴۲۲	۵۱/۹۹٪
	ضعف بنیان‌های جغرافیایی، اقلیم خشن و پراکندگی نامناسب جمعیت به واسطه آن	۱۰۸		
	احساس محرومیت نسبی (به غیر از محرومیت اقتصادی) عدم تجانس قومی و مذهبی در منطقه و اشتراکات فرهنگی با آن سوی مرز	۱۰۰ ۹۳		
طیف (۳)	وجود طوایف متعدد و حاکمیت ساختار قبیله‌ای در منطقه	۷۲	۷۲	۸/۸۶٪
طیف (۴)	عدم تمایل مردم در مشارکت سیاسی و نگاه به بیرون	۳۶	۳۶	۴/۴۳٪
طیف (۵)	*****	۰	۰	۰٪
میانگین		۹۰/۲۲	۱۶۲/۰۴	۲۰٪
جمع		۸۱۲	۸۱۲	۱۰۰٪

در این جدول، طیف ۲ با ۵۱/۹۹٪ بیشترین تأثیرگذاری را بر امنیت منطقه دارد. این طیف در مجموع با طیف ۱، دارای ۸۶/۸۷ درصد تأثیرگذاری بر امنیت منطقه است که نشان از اهمیت مسائل داخلی در مقوله‌ی امنیت منطقه است. این در حالی است که از میان عوامل

تأثیرگذار بیشترین تأثیرگذاری متعلق به رشد فزاینده‌ی جریانات مذهبی به‌ویژه با تفکر سلفی‌گری و تشدید فعالیت‌های تبلیغی آنها با ۱۴۲ امتیاز می‌باشد.

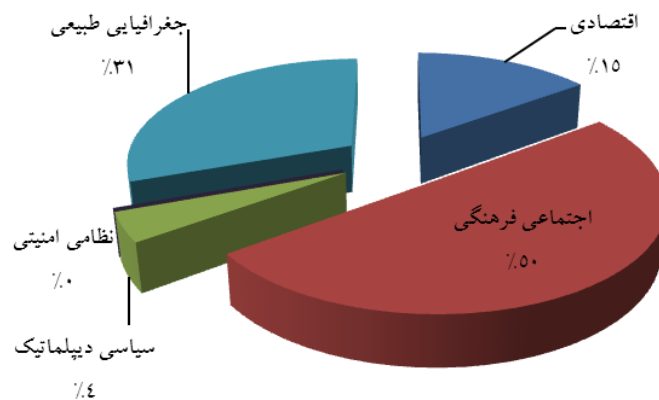
جدول شماره‌ی ۳- تأثیرگذاری عوامل براساس مؤلفه‌های پنج‌گانه در تهدیدات داخلی

مؤلفه‌ها	مجموع امتیازات	درصد امتیازات هر مؤلفه به کل امتیازات
مؤلفه‌های اقتصادی	۱۲۱	۱۴.۹۰
مؤلفه‌های نظامی - امنیتی	۰	۰
مؤلفه‌های سیاسی	۳۶	۴.۴۳
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۴۰۷	۵۰.۱۲
مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی	۲۴۸	۳۰.۵۴
میانگین	۲۰۳	۲۰



نمودار شماره‌ی ۱- مجموع امتیاز هر یک از مؤلفه‌ها (براساس تهدیدهای داخلی)

همان طور که در نمودار نشان داده شده است، در مجموع مؤلفه های اجتماعی با ۴۰۷ امتیاز (۵۰/۱۲٪ از کل امتیازها) در رتبه ی اول قرار دارد. این وضعیت نشان می دهد که تهدیدهای داخلی در منطقه بیشتر ماهیت اجتماعی فرهنگی دارند. پس از مؤلفه های اجتماعی فرهنگی مؤلفه های جغرافیایی و طبیعی با ۲۴۸ امتیاز و در مجموع ۳۰/۵۴٪ از مجموع تهدیدها در حوزه ی داخلی را تشکیل داده است. این وضعیت نشان می دهد که وضعیت جغرافیایی منطقه عاملی تأثیرگذار در مقوله ی امنیت منطقه می باشد. سایر مؤلفه ها به ترتیب در جدول و نمودار بالا آمده است. قابل ذکر است میانگین تهدیدهای به دست آمده در این بخش ۲۰۳ امتیاز برآورد گردیده است که در مجموع مؤلفه های اجتماعی فرهنگی و جغرافیایی از میانگین امتیاز بیشتری کسب کرده اند.



نمودار شماره ی ۲- نقش مؤلفه ها در تهدیدهای داخلی

نتایج نهایی طیف‌بندی در تهدیدها با منشا تهدیدهای مرزی

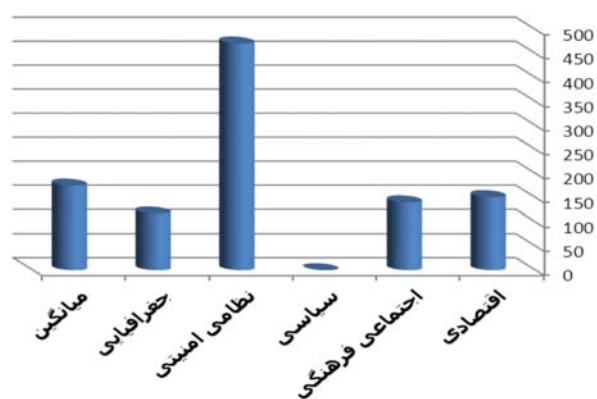
جدول شماره ۴- طیف‌بندی تهدیدها با منشا مرزی

طیف	عوامل	امتیاز در هر عامل	امتیاز کل طیف	درصد طیف به کل
طیف (۱)	تردد اشترار و گروه‌های مسلح جهت فعالیت‌های تروریستی در ایران	۱۴۷	۴۳۰	٪۴۸/۹۳
	تردد قاچاقچیان مواد مخدر و قرارگیری مرز در مسیر ترانزیت مواد مخدر	۱۴۳		
	ورود و خروج غیرقانونی مبلغین و جماعت تبلیغی با گرایشات سلفی‌گری	۱۴۰		
طیف (۲)	گسترده‌گی بیش از حد مرز و عدم توانایی در کنترل آن	۱۱۷	۳۰۱	٪۳۴/۲۴
	تردد غیرمجاز افغانه (با هر هدفی)	۹۴		
	پراکنده‌گی نامناسب جمعیت در حاشیه‌ی مرز و فقر اقتصادی آنها	۹۰		
طیف (۳)	رشد جرائم سازمان یافته (قاچاق انسان و مهاجرین)	۸۷	۱۴۸	٪۱۶/۸۳
	قاچاق کالا و محصولات فرهنگی	۶۱		
طیف (۴)	*****	۰	۰	۰
طیف (۵)	*****	۰	۰	۰
میانگین		۸۷/۹	۱۷۵/۵۰	٪۲۰
جمع		۸۷۹	۸۷۹	٪۱۰۰

در این جدول، طیف ۲ با ۵۱/۹۹٪ بیشترین تأثیرگذاری را بر امنیت منطقه دارد. این طیف در مجموع با طیف ۱، دارای ۸۶/۸۷ درصد تأثیرگذاری بر امنیت منطقه است که نشان از اهمیت مسائل داخلی در مقوله‌ی امنیت منطقه است. این در حالی است که از میان عوامل تأثیرگذار بیشترین تأثیرگذاری متعلق به رشد فزاینده‌ی جریان‌های مذهب‌ی به‌ویژه با تفکر سلفی‌گری و تشدید فعالیت‌های تبلیغی آنها با ۱۴۲ امتیاز می‌باشد.

جدول شماره ۵- تأثیرگذاری عوامل بر اساس مؤلفه‌های پنج‌گانه در تهدیدهای مرزی

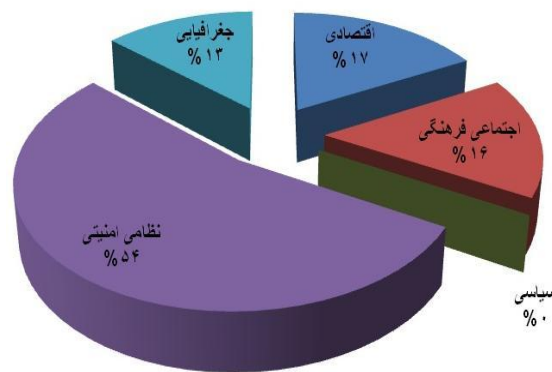
مؤلفه‌ها	مجموع امتیازها	درصد امتیازات هر مؤلفه به کل امتیازها
مؤلفه‌های اقتصادی	۱۵۱	۱۷.۱۷
مؤلفه‌های نظامی - امنیتی	۴۷۱	۵۳.۵۸
مؤلفه‌های سیاسی	۰	۰
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۱۴۰	۱۵.۹۲
مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی	۱۱۷	۱۳.۳۱
میانگین	۱۷۵.۸	۲۰



نمودار شماره ۳- مجموع امتیاز هر یک از مؤلفه‌ها (بر اساس تهدیدهای مرزی)

همان‌طور که در نمودار نشان داده شده است، در مجموع مؤلفه‌های اجتماعی با ۴۰۷ امتیاز (۵۰/۱۲٪ از کل امتیازها) در رتبه‌ی اول قرار دارد. این وضعیت نشان می‌دهد که تهدیدهای داخلی در منطقه بیشتر ماهیت اجتماعی فرهنگی دارند. پس از مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی با ۲۴۸ امتیاز و در مجموع ۳۰/۵۴٪ از مجموع تهدیدات در حوزه‌ی داخلی را تشکیل داده است. این وضعیت نشان می‌دهد که وضعیت جغرافیایی منطقه عاملی تأثیرگذار در مقوله‌ی امنیت منطقه می‌باشد. سایر مؤلفه‌ها به ترتیب در

جدول و نمودار بالا آمده است. قابل ذکر است میانگین تهدیدات به دست آمده در این بخش ۲۰۳ امتیاز بر آورد گردیده است که در مجموع مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی و جغرافیایی از میانگین امتیاز بیشتری کسب کرده‌اند.



نمودار شماره ۴ - نقش مؤلفه‌ها در تهدیدهای مرزی

نتایج نهایی طیف‌بندی در تهدیدها با منشا تهدیدهای مرزی

جدول شماره ۶ - طیف‌بندی تهدیدها با منشا مرزی

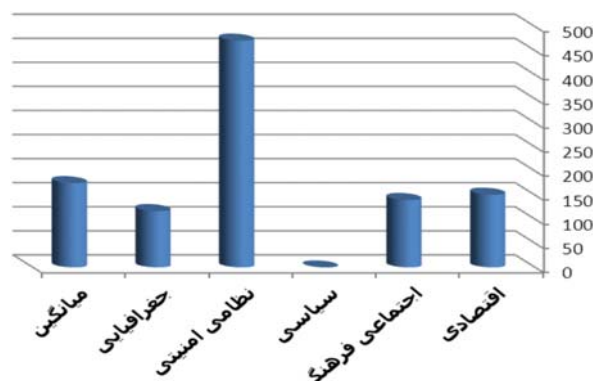
طیف	عوامل	امتیاز در هر عامل	امتیاز کل طیف	درصد طیف به کل
طیف (۱)	تردد اشترار و گروه‌های مسلح جهت فعالیت‌های تروریستی در ایران	۱۴۷	۴۳۰	٪۴۸/۹۳
	تردد قاچاقچیان مواد مخدر و قرارگیری مرز در مسیر ترانزیت مواد مخدر	۱۴۳		
	ورود و خروج غیرقانونی مبلغین و جماعت تبلیغی با گرایشات سلفی‌گری	۱۴۰		
طیف (۲)	گسترده‌گی بیش از حد مرز و عدم توانایی در کنترل آن	۱۱۷	۳۰۱	٪۳۴/۲۴
	تردد غیرمجاز افغانه (با هر هدفی) پراکنده‌گی نامناسب جمعیت در حاشیه‌ی مرز و فقر اقتصادی آنها	۹۴ ۹۰		
طیف (۳)	رشد جرائم سازمان یافته (قاچاق انسان و مهاجرین)	۸۷	۱۴۸	٪۱۶/۸۳
	قاچاق کالا و محصولات فرهنگی	۶۱		

ادامه جدول شماره ۶			
•	•	•	طیف (۴)
•	•	•	طیف (۵)
۲۰٪	۱۷۵/۵۰	۸۷/۹	میانگین
۱۰۰٪	۸۷۹	۸۷۹	جمع

در این جدول نشان طیف ۱ یعنی عوامل با تهدید زیاد با ۴۸/۹۳٪ بیشترین درصد تأثیرگذاری را بر امنیت منطقه دارند و طیف ۲ با ۳۴/۲۴ درصد در رتبه دوم قرار دارد. این دو طیف در مجموع ۸۳/۱۵ درصد از تأثیرگذاری طیف‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

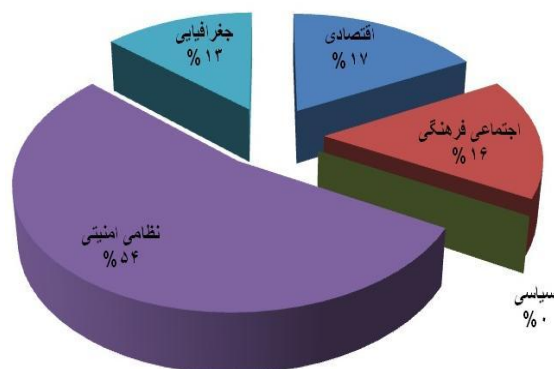
جدول شماره ۷- تأثیرگذاری عوامل بر اساس مؤلفه‌های پنج‌گانه

مؤلفه‌ها	مجموع امتیازها	درصد امتیازات هر مؤلفه به کل امتیازها
مؤلفه‌های اقتصادی	۱۵۱	۱۷.۱۷
مؤلفه‌های نظامی-امنیتی	۴۷۱	۵۳.۵۸
مؤلفه‌های سیاسی	۰	۰
مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی	۱۴۰	۱۵.۹۲
مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی	۱۱۷	۱۳.۳۱
میانگین	۱۷۵.۸	۲۰



شکل شماره ۵- امتیاز هر یک از مؤلفه‌ها (تهدیدات با منشا مرزی)

همان‌طور که در نمودار نشان داده شده است، در مجموع مؤلفه‌های نظامی - امنیتی با ۴۷۱ امتیاز (۵۳/۵۸٪ از کل امتیازات) در رتبه‌ی اول قرار دارد. این وضعیت نشان می‌دهد که تهدیدات مرزی در منطقه بیشتر ماهیت نظامی - امنیتی دارند. از جمله عوامل بارز در مؤلفه‌ی نظامی - امنیتی می‌توان به تردد گروه‌های مسلح، تردد قاچاقچیان و ورود و خروج غیرمجاز مبلغین اشاره نمود.



نمودار شماره ۶ - درصد هر یک از مؤلفه‌ها (تهدیدها با منشا مرزی)

نتایج نهایی طیف بندی در تهدیدها با منشا تهدیدهای خارجی

جدول شماره ۸ - طیف بندی تهدیدها با منشا خارجی

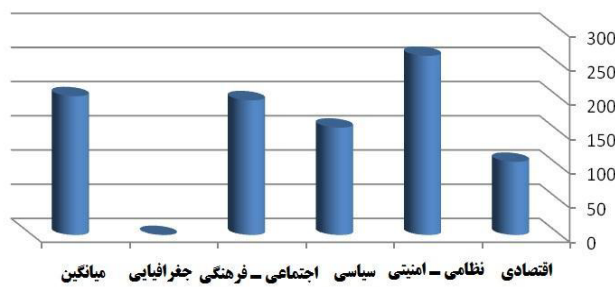
طیف	عوامل	امتیاز در هر عامل	امتیاز کل طیف	درصد طیف به کل
طیف (۱)	حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس (عربستان) از جریان‌ات افراطی مذهبی	۱۴۵	۱۴۵	٪۲۰
طیف (۲)	بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی در کشورهای افغانستان و پاکستان حضور مستقیم آمریکا (اطلاعاتی و عملیاتی) در کشورهای همسایه جهت فشار به ایران ضعف شدید زیرساخت‌های اقتصادی در پاکستان به‌ویژه ایالت بلوچستان	۱۱۷ ۱۱۴ ۱۰۷	۳۳۸	٪۴۶/۵۵
طیف (۳)	تأسیس پایگاه نظامی در مناطق همجوار مرز توسط آمریکا حمایت سرویس اطلاعاتی پاکستان از جریان‌ات تروریستی منطقه	۸۰ ۷۱	۱۵۱	٪۲۰/۷۸

ادامه جدول شماره ۸			
طیف (۴)	۹۲	۵۰	منازعات فرقه‌ای در پاکستان
		۴۲	پایین بودن سطح روابط دیپلماتیک با پاکستان
طیف (۵)	۰	۰	*****
میانگین	۱۴۵/۲	۸۰/۶۶	٪۲۰
جمع	۷۲۶	۷۲۶	٪۱۰۰

در بین عوامل خارجی به وجود آورنده‌ی تهدید، گزینه حمایت کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس (عربستان) از جریان‌ات افراطی مذهبی با ۱۴۵ امتیاز در مجموع مهمترین عامل تأثیرگذار بر تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق تلقی می‌گردد و به تنهایی ۲۰٪ از مجموع امتیازها را به خود اختصاص داده است. بی‌ثباتی‌های سیاسی و ناآرامی در کشورهای افغانستان و پاکستان، حضور مستقیم امریکا در کشورهای همسایه به ترتیب بیشترین میزان تأثیرگذاری را داشته‌اند.

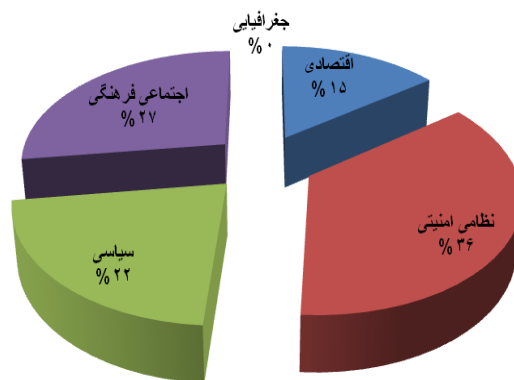
جدول شماره ۹- تأثیرگذاری عوامل براساس مؤلفه‌های پنج‌گانه

مؤلفه‌ها	مجموع امتیازها	درصد امتیازها هر مؤلفه به کل امتیازها
مؤلفه‌های اقتصادی	۱۰۷	۱۴.۷۹
مؤلفه‌های نظامی - امنیتی	۲۶۲	۳۶.۲۳
مؤلفه‌های سیاسی	۱۵۷	۲۱.۷۱
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۱۹۷	۲۷.۲۴
مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی	۰	۰
میانگین	۲۰۳	۲۰



نمودار شماره ۷- مجموع امتیاز هر یک از مؤلفه‌ها (بر اساس تهدیدهای خارجی)

از میان مؤلفه‌های مختلف تأثیرگذار در حوزه‌ی تهدیدهای خارجی، مؤلفه‌های نظامی - امنیتی با ۲۶۲ امتیاز (۳۶/۲۳٪ از کل امتیازها) دارای بیشترین میزان تأثیرگذاری می‌باشد. در این میان حمایت‌های مستقیم عربستان از جریان‌های افراطی مذهبی با گرایش‌های سلفی - تکفیری شاخص اصلی این مؤلفه می‌باشد.

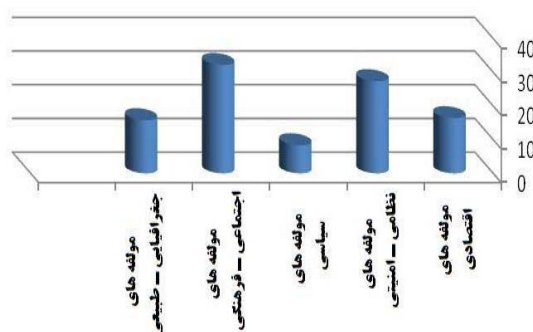


نمودار شماره ۸- درصد تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه (تهدیدها با منشا خارجی)

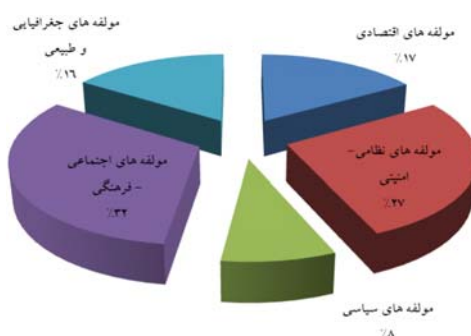
امتیازات هر یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه در تهدیدها بر اساس منشأ سه‌گانه‌ی تهدیدها

جدول شماره‌ی ۱۰- مجموع امتیازات مؤلفه‌های بر اساس تهدیدهای سه‌گانه

مؤلفه‌ها	مجموع امتیازها	درصد امتیازات هر مؤلفه به کل امتیازها
مؤلفه‌های اقتصادی	۳۷۹	۱۶.۳۷
مؤلفه‌های نظامی - امنیتی	۶۳۳	۲۷.۳۵
مؤلفه‌های سیاسی	۱۹۳	۸.۳۴
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۷۴۴	۳۲.۱۵
مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی	۳۶۵	۱۵.۷۷
میانگین	۴۶۲.۸	۲۰
جمع کل	۲۳۱۴	۱۰۰



نمودار شماره‌ی ۹- نقش مؤلفه‌ها در تهدیدها با منشأ سه‌گانه



نمودار شماره‌ی ۱۰- درصد هر یک از مؤلفه‌ها در تمامی تهدیدهای سه‌گانه

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که اشاره شد، تهدیدها بر اساس منشا شکل‌گیری (داخلی، مرزی و بین‌المللی) مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در پایان این سنجش نتایجی به‌دست آمد که حاکی از حساسیت بالای مسائل امنیتی در جنوب شرق بود. در مباحث مربوط به تهدیدهای داخلی به نظر می‌رسد با توجه به بافت اجتماعی بلوچستان که به شدت بسترساز مقوله‌ی اقلیت‌گرایی مذهبی می‌باشد، رشد اقلیت‌گرایی مذهبی در جنوب شرق ایران عمده‌ترین چالشی است که منطقه با آن روبه‌رو می‌باشد. مضافاً این‌که در سنجش تهدیدها بر اساس مؤلفه‌ها در بخش تهدیدهای داخلی، بیشترین درصد تأثیرگذاری تهدیدها، مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی تشخیص داده شد. قابل ذکر است که نگاه گسسته و تفکیکی به مجموعه‌ی تهدیدها در این منطقه قابل قبول نبوده و تهدیدات موجود در جنوب شرق ایران در یک زنجیره به هم پیوسته و فشرده بازی می‌کنند که هر کدام به نوبه‌ی خود بر دیگری تأثیرگذار است. بدین معنی که بسترهای یک تهدید خاص ممکن است اگرچه منشا داخلی داشته باشد، اما مجموعه‌ی عواملی از عوامل خارجی این وضعیت را تشدید نموده و تهدید را عینی و ملموس بنمایند. بنابراین، در اولین نوع تهدیدات یعنی تهدیدات با منشا داخلی گرچه بسیاری از عوامل که مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، در زمره‌ی تهدیدات داخلی محسوب می‌گردند، اما عوامل تأثیرگذار بر آنها ممکن است در خارج از مرزها کنترل شوند. به عنوان مثال، گروه‌های سلفی - تکفیری فعال در منطقه که در زمره‌ی عوامل خارجی قابل شناسایی هستند با سوءاستفاده از وضعیت فرهنگی - اجتماعی مردم منطقه (به عنوان عامل داخلی) به نشر افکار خود پرداخته و به عضوگیری از میان جوانان می‌پردازند.

دومین نوع تهدیدها، تهدیدهای مرزی هستند که مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد مهمترین عامل تهدید در مرز مسأله‌ی تردهای غیرمجاز و غیرقانونی می‌باشد. تردهایی با هدف قاچاق مواد مخدر، عبور یک گروه مسلح شرور و یا عبور غیرمجاز افغانه که هر کدام از آنها به منزله‌ی شکسته شدن حریم قانونی مرز و تضعیف کارکرد دفاعی - امنیتی آن می‌باشد. انواع تردد غیرمجاز در مرز در نقش تهدید ملموس امنیتی برای منطقه محسوب می‌شود. اما در

سنجش هر کدام از آنها، تردد اشرار و گروه‌های مسلح جهت فعالیت‌های تروریستی در ایران مسأله‌ی مهمی است که بایستی مورد توجه قرار گیرد. رشد جریان‌های تروریستی در منطقه طی سال‌های اخیر این مسأله را به یک تهدید امنیتی خیلی جدی تبدیل کرده است. عموماً به باور تحلیلگران مسائل امنیتی بیشتر فعالیت‌های تروریستی خواستگاهی خارج از مرز با بستر داخلی دارند. در واقع مجموعه‌ی عوامل داخلی و خارجی در یک رابطه‌ی زنجیره‌وار امکان فعالیت گروهک‌های تروریستی را در منطقه ایجاد و تشدید نموده است. طراحان عملیات‌های تروریستی با استفاده از فقر فرهنگی و اجتماعی مردم منطقه و سوءاستفاده از مسائل و تعصبات مذهبی مردم در صدد ایجاد بحران‌های امنیتی در منطقه برآمده‌اند.

سومین دسته از تهدیدها که مورد سنجش قرار گرفته‌اند، تهدیدها با خواستگاه خارجی (منطقه‌ای و یا فرامنطقه‌ای) می‌باشند. قابل ذکر است در سنجش مؤلفه‌های تهدیدزا بر اساس خواستگاه برون مرزی عمده‌ترین تهدید از دید پاسنگویان، حمایت برخی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس (مانند عربستان، امارات) از جریان‌های افراطی مذهبی در منطقه است. به نظر می‌رسد، این کشورها سیاست برخورد ایدئولوژیک خود را با جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر تشدید نموده و محیط تقابل فعالیت‌های خود را نه تنها در سطح منطقه‌ی خاورمیانه، بلکه به داخل مرزهای جمهوری اسلامی ایران کشانده‌اند. بنابراین، این عامل در نقش عاملی تهدیدزا برای منطقه‌ی جنوب شرق محسوب می‌شود. در سنجش مؤلفه‌های پنج‌گانه با ماهیت خارجی مؤلفه‌ی نظامی - امنیتی نقش بارزی در تهدیدات ایفا نموده است.

به هر ترتیب، در سنجش تهدیدهای مرزی بر اساس مؤلفه‌های پنج‌گانه، تهدیدهای امنیتی به عنوان ملموس‌ترین نوع تهدیدها مورد شناسایی قرار گرفته و این وضعیت نشان می‌دهد که مسائل مرزی بیشتر تحت تأثیر مؤلفه‌های تهدیدزا با خواستگاه امنیتی می‌باشند. بنابراین، طراحان و برنامه‌ریزان مسائل امنیتی بایستی بر این نکته واقف باشند که امنیت مرزی بیش از هر مسأله‌ی دیگر در ارتباط با مسایل امنیتی و حتی نظامی قابل تعریف است.

با توجه به فرایند محاسبات انجام گرفته شده در خصوص برآورد نوع تهدیدات و میزان تأثیر هر کدام در بروز چالش‌های امنیتی منطقه‌ی جنوب شرق، در مجموع از بین تهدیدهای

سه‌گانه (داخلی، مرزی و بین‌المللی) به ترتیب تهدیدها با منشا مرزی در رتبه‌ی نخست، تهدیدها با منشا داخلی در رتبه‌ی دوم و تهدیدها با منشا خارجی در رتبه‌ی سوم، رتبه‌بندی شده‌اند.

در نهایت با ارائه‌ی یک وضعیت تلفیقی از دو بحث مؤلفه‌های پنج‌گانه تهدیدزا از یک‌سو و مبحث ریشه‌های سه‌گانه این مؤلفه‌های تهدیدزا از سوی دیگر، عمده‌ترین تهدیدها در جنوب شرق ایران به ترتیب اولویت: تهدیدهای اجتماعی - فرهنگی، تهدیدهای نظامی - امنیتی، تهدیدهای اقتصادی، تهدیدها با بستر جغرافیای - طبیعی و در نهایت تهدیدهای سیاسی می‌باشند که در این پژوهش به دست آمده‌اند. بنابراین، مسئولین امنیتی کشور ضمن طراحی یک مدل آمایشی برای دفع تهدیدها، می‌بایست برنامه‌ریزی وسیعی را در جهت رفع و کاهش تهدیدهای مزبور داشته باشند. قابل توجه است که تمرکز بر روی یک مؤلفه تهدیدزا و غفلت از سایر عوامل و مؤلفه‌ها، خسارات جبران‌ناپذیری برای امنیت منطقه در پی خواهد داشت.

منابع

فارسی

کتاب

- ۱- اخباری، محمد و نامی، محمد حسن، (۱۳۸۸): «*جغرافیا و مرز (با تأکید بر مرزهای ایران)*»، تهران: انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- ۲- افتخاری، علی اصغر، (۱۳۸۸)، «*قلیت‌گرایی دینی - طراحی یک چارچوب تحلیلی*»، تهران: نشر تمدن ایرانی.
- ۳- برژینسکی، زیگنوف، (۱۳۶۹): «*در جستجوی امنیت ملی*»، ترجمه: ابراهیم خلیلی، تهران: نشر سفیر.
- ۴- ج ویسنر، فرانک و پلات، نیکولاس، (۲۰۰۳): «*سیاست‌های راهبردی آمریکا در قبال هند، پاکستان و افغانستان*»، مؤسسه مطالعاتی شورای روابط خارجی آمریکا؛ بنیاد مطالعاتی انجمن آسیا؛ تهران: پژوهشکده اطلاعات و امنیت؛ ۱۳۸۸.
- ۵- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹): «*مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی*»، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور (جلد اول).
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹): «*مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی*»، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور (جلد دوم).
- ۷- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۲): «*مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*»، تهران: انتشارات سمت.
- ۸- خطابی، غلامحسین، (۱۳۷۴): «*مرزبانی*»، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- ۹- درایسدل، آلاسدایر و اچ بلیک، جرالده، (۱۳۷۴): «*جغرافیای سیاسی خاورمیانه در شمال آفریقا*»، ترجمه: دره میرحیدر؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- ۱۰- زرقانی، سید هادی، (۱۳۸۶): «*مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی*»، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- ۱۱- عنذلیب، علیرضا، (۱۳۸۰): «*نظریه و پایه اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران*»، تهران: دافوس.

- ۱۲- فرزین‌نیا، زیبا، (۱۳۸۴)؛ «سیاست خارجی پاکستان تغییر و تحول»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- ۱۳- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۳)؛ «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی»؛ تهران: انتشارات سمت؛ (چاپ دهم).
- ۱۴- کریمی‌پور، یدالله، (۱۳۸۱)؛ «ایران و همسایگان منابع تنش و تهدید»؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- ۱۵- ملازهی، پیرمحمد، (۱۳۸۳)؛ «ثبات در افغانستان و نقش آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»؛ کتاب آسیا؛ تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.
- ۱۶- میرحیدر، دره، (۱۳۷۹)؛ «مبانی جغرافیای سیاسی»؛ تهران: انتشارات سمت.
- ۱۷- میرحیدر، دره، (۱۳۸۹)؛ «مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی»؛ تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.

مقالات

- ۱۸- پورخسروانی، انیس، (۱۳۸۵)؛ «همکاری‌های ایران و پاکستان در عرصه امنیت انسانی» تهران: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- ۱۹- دلاورپور اقدم، مصطفی، (۱۳۸۸)؛ «منازعات فرقه‌ای پاکستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»؛ سایت: پگاه حوزه (وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (CRCIS) آبان ۱۳۸۸؛ شماره ۲۶۷.
- ۲۰- بهرام‌زاده، قدرت، (۱۳۸۵)؛ «مفهوم امنیت ملی و ابعاد آن»؛ آکادمی علوم انسانی بلوچ.
- ۲۱- بادلی، محمدباقر، (۱۳۸۸)؛ «راهبردهای پیشگیری از امنیتی شدن پدیده‌های غیرامنیتی»؛ رساله دکتری، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۲۲- سیدنژاد، سید باقر، (۱۳۸۸)؛ «موج جدیدی افراط‌گرایی در سلفی‌گری و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»؛ تهران: دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص).

مصاحبه‌ها و گزارشات و نشریات

- ۲۳- آزاد، علی محمد، (۱۳۸۹)؛ «استاندار سیستان و بلوچستان»؛ مصاحبه و دیدار حضوری.
- ۲۴- ساجدی، محسن، (۱۳۸۹)؛ «کارشناس مسائل امنیتی حوزه جنوب شرق»؛ مصاحبه و دیدار حضوری.
- ۲۵- نوحی، محمدامیر، (۱۳۸۹)؛ «کارشناس مسائل امنیتی»؛ مصاحبه و دیدار حضوری.
- ۲۶- احمدی مقدم، اصغر، (۱۳۸۹)؛ «فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران»؛ همایش سراسری جنوب شرق، جغرافیا امنیت و توسعه، تهران: بهار ۱۳۸۹.
- ۲۷- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹)؛ «مدرس و استاد تمام جغرافیای سیاسی»؛ همایش سراسری جنوب شرق، جغرافیا امنیت و توسعه، تهران: بهار ۱۳۸۹.
- ۲۸- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۹)؛ «استاد و مدرس جغرافیای سیاسی»؛ همایش سراسری جنوب شرق، جغرافیا امنیت و توسعه، تهران: بهار ۱۳۸۹.
- ۲۹- گروه مطالعات آسیا؛ (پاییز ۸۷)، «روابط آمریکا و پاکستان پس از ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی ایران»؛ گزارش ۵۳۱.

- ۳۰- نشریه خبری - تحلیلی بسته خبری، (۱۳۸۹): «افزایش فعالیت های جاسوسی آمریکا در نقاط مرزی ایران»؛ تحلیل نیویورک تایمز از شروع دور تازه فعالیت های جاسوسی واشنگتن علیه ایران، شماره خرداد ماه ۱۳۸۹.
- ۳۱- خبرگزاری ایرنا؛ ۲۶ اسفند ماه سال ۱۳۸۴.

انگلیسی

- 32- Almashat, A.M, (1985), "*National Security In Third World*", US: West View Press.
- 33- Namara, Robert, S.M.C, (1968), "*The Essence Of Security*", (New York: Harper & Rom)
- 34- Fisher, Dietrich, (1993), "*Non - Military Aspects Of Security: A System Approach*", Cambridge University Press, Combridge UK.
- 35- Ayoob, Mohammad, (1995), "*Thrid World Security Predicament: State Making, Regional Conflict and the International System*", Lynne Rienner Publishers, Boulder.
- 36- Azar, Edward and Chung-In, Moon, (1988), "*Legitimacy, Inegration and Policy Capacity: The Soft Ware, Side of Third World National Security*", In Edward Azar and Chung-In Moon (EDS). National Security in the Third World, Edward Elgar. England.
- 37- Ayoob, Mohammad, (1999), "*The Security Problematic Of The Third World*", World Politics.VD.43. January 1999.

